

هو الأبهى - يا من خر مغشيا صعقا من تجلى الرحمن ...

عبدالبهاء عباس

اصلى فارسى



لوح رقم (314) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مكاتيب عبدالبهاء،
جلد 8، صفحه 225

هو الابهى

يا من خر مغشيا صعقا من تجلى الرحمن صبح است و جمعى از دوستان چون شمع در اين جمع روشن و خاطرها
بياد دوست چون ساحت گلزار و چمن پر گل و سنبل و سمن اين عبد قلم برداشته و بياد روى و خويت پرداخته
قسم باسم اعظم كه ياد ياران راحت جان و مسرت وجدانست و چنان روح و ريحان آرد كه دل بوجد و
طرب آيد و روان بشوق و وجد زيرا حقيقت شاخصه هريك در بزم الهى معينى از ماء حيات و جمال باكمال
هريك در فردوس عرفان مطلع نورى از انوار پس ملاحظه فرما كه در بصر و نظر اين عبد چه قدر
بزرگوارى چه كه مشاهده آيات كبرى هر چند در سائر ممكّات و موجودات ميسرولى آيت عظمى و حقيقت
نورآء و كله عليا و الرحمة التى سبقت الأشياء در مجالى حقائق احباء و مظاهر و مطالع انوار فائضه از شمس بها
ظاهر و باهر (ع ع)

ورقهء طبيهء زكيه امة الله ضجيج آنجناب نورى بگم بنفحات قدس مذ كرم از لطف الهى اميد است كه در انجن
اماء الرحمن آيت هدى و شعله نورآء باشد و كل را بنفحات يوم الله مشام معطر نمايد ورقه مطمئنهء طبيهء زكيه
امة البهاء راضيه بگم هميشه بذكر ايشان مشغول است و التماس صدور آثار مواهب ميكند (ع ع)



ORIGINAL